

غنی شده برای دوره زمانی ای که مورد توافق قرار می گیرد، تعیین می گردد. بر اساس این جملات، حق غنی سازی ایران در گام نهایی که زمان آن نامعلوم و دراز مدت است، محدود به گزاره های ذیل است: ۱- تعریف مشترک (دو طرفه) ۲- محدودیت های عملی، ۳- اقدامات شفاف ساز، ۴- انطباق با نیازهای عملی، ۵- محدودیت های مورد توافق، ۶- دامنه، سطح فعالیت، ظرفیت، ذخایر و محل های محدود و مشخص که طبقاً باید به صورت دوجانبه تعیین شوند.

در این میان حتی برخی معتقدند بحث محل هایی که در این بند آمده عملاً می تواند در تفسیر نهایی طرف مقابل به غنی سازی در خارج از خاک ایران نیز تعبیر شود.

نیازهای عملی و محدودیت های عملی مفاهیمی غیروشن و تفسیرپذیر است

در ادامه این گزارش تصریح شده است: «الف) با این توافقنامه تعریف حق غنی سازی ایران از چارچوب صرف ان پی تی خارج شده و جنبه بین المللی خواهد یافت. نقش ساختار قدرت بین المللی یا همان نظام بین المللی در تعریف و تبیین اندازه و شکل غنی سازی قابل انجام در ایران بر اساس سند ژنو به رسمیت شناخته شده است که می تواند به محدودسازی حق ایران در بهره گیری از چرخه سوخت در خاک ایران بینجامد. ب) نکته بعدی مربوط به بند چهارم از توصیف شرایط توافق نهایی در توافق ژنو است. در این بند گفته شده است که ایران می تواند نهایتاً یک برنامه غنی سازی داشته باشد، به شرط: ۱- انطباق بر نیازهای عملی (Consistent with practical-needs) ۲- توافق بر سر محدودیت هایی درباره اندازه (Level)، ظرفیت (Capacity)، حجم (Stocks of enriched uranium)، گستره (Scope) و مکان آن. مشروط شدن غنی سازی در گام آخر به نیازهای عملی ایران آیا معنایی جز این دارد که ۱+۵ می تواند در مذاکره بر سر توافق نهایی ادعا کند ایران به دلیل نداشتن رآکتوری که تأمین سوخت نشده باشد عملاً هیچ نیاز عملی به غنی سازی ندارد و باید آن را برچیند؟ و آیا این جمله اساساً با این هدف در توافق گنجانده نشده است؟ و تازه، حتی اگر غرب نیاز عملی ایران را هم بپذیرد، پذیرفتن این همه محدودیت در باره اندازه، سطح، گستره، ذخایر و... غنی سازی، آیا چیزی هم از برنامه غنی سازی باقی می گذارد؟ مفاهیم «نیازهای عملی و محدودیت های عملی» مفاهیمی غیروشن و تفسیرپذیر است. ج) دوره ای که ایران باید محدودیت های غنی سازی را بپذیرد نامشخص است. اگر این محدودیت ها برای یک دوره مشخص و معقول باشد شاید بتوان آن را پذیرفت اما اگر معلوم نباشد که محدودیت ها تا کی ادامه دارند، غیر قابل پذیرش است. بر این اساس و در یک کلام، توافقنامه از این جهت که به برنامه (حق) غنی سازی ایران اشاره کرده، مثبت است؛ اما از آن رو که آن را به محدودیت هایی فراتر از ان پی تی مقید کرده، مبهم است. ابعاد این ابهام قطعاً باید در مذاکرات جامع زوده شوند. البته اگر طرف غربی به زدودن آن هاتن دهد، چون قطعاً این عبارات را بیپهوده در توافق نگنجانده است! این در حالی است که مهم ترین قسمت NPT به رسمیت شناختن حق غنی سازی به طور نامحدود است یعنی نه تنها غنی سازی ۵ درصد یا ۲۰ درصد که حتی غنی سازی ۹۰ درصد نیز برای کشورها تحت بازرسی آژانس قانونی خواهد بود.

استفاده از واژه های تفسیرپذیر

اما یکی از موضوعات جنجالی که درباره این توافق مطرح می شد و هنوز هم می شود استفاده از کلمات دوپهلوی گاه با معنای مختلف است. در حالی یکی از مهم ترین ویژگی های یک توافق باید این باشد که از واژه هایی در آن استفاده شود که امکان برداشت یا تفسیر متعدد از آن ها وجود نداشته باشد. انتقادها از این موضوع تا آن جا پیش رفت که حتی برخی آن را «شیخون واژگان غربی به حقوق هسته ای ایران» خواندند. (سایت ۵۹۸-۲۰ آذر ۱۳۹۲)

هر چند برخی معتقدند این فضا تا حدی می تواند به عنوان شمشیری دولبه عمل کرده و این انتظار را از دولتمردان ایجاد کند که با توجه به این گشایش به وجود آمده حتماً توافق نهایی را منعقد کنند در این شرایط این فشار شاید تیم مذاکره کننده را به پذیرش شرایطی مجبور کند که چنان خوشایند نباشد.

مشخص شدن تکلیف حامیان مذاکره

از منظری دیگر برخی از حامیان این توافق و دور جدید مذاکرات هسته ای معتقدند با توجه به اینکه همواره برخی این مسئله را عنوان می کنند که «اگر چه طرف مقابل ممکن است سوء نیت هایی در قبال ما داشته باشد و ما به مخفی کاری و... متهم کنده ای ما نیز با رفتار خود از جمله گریز از مذاکره با طرف های اصلی فرصت حل مسئله را از خود گرفته ایم» این مذاکرات می تواند به طور عملی به این دسته ثابت کند که اراده واقعی در طرف مقابل برای حل مسئله وجود ندارد و آن گاه با اثبات این مسئله میتوان با اتحاد و یکپارچگی بیشتری برای عبور از این مرحله با تکیه بر توانایی های داخلی حرکت کرد.

به رسمیت شناخته شدن غنی سازی

این مسئله را که شاید بتوان کانونی ترین موضوع مورد مناقشه در توافق ژنو دانست از همان ابتدای انعقاد این توافق و حتی ساعات اولیه با ۲ اظهار نظر متفاوت جان کری و ظریف خود را نشان داد. حامیان توافق ژنو البته معتقدند آمریکا در این توافق با پذیرفتن ادامه غنی سازی ۵ درصد در ایران چنان عقب نشینی از رویه ۱۰ سال گذشته خود در قبال ایران کرد که به گفته سیروس ناصری عضو سابق تیم مذاکره کننده هسته ای حتی این عقب نشینی متحدان آمریکا در ناتو و منطقه را نیز شوکه کرد. حامیان دیدگاه به رسمیت شناخته شدن معتقدند وقتی ۱+۵ به طور مشخص آمریکا با ادامه غنی سازی ۵ درصد در ایران موافقت کرده اند آن را به رسمیت شناخته اند همان طور که دکتر هر میداس باوند معتقد است ۱+۵ با این کار به طور «دوفاکتو» (بدون تصریح رسمی ولی در عمل) غنی سازی ایران را به رسمیت شناخته اند.

علامت سوال های منتقدان توافق و حق غنی سازی

اما شاید مهم ترین مسئله ای که منتقدان توافق ژنو مطرح می کنند به رسمیت شناخته شدن یا نشدن حق غنی سازی ایران در این توافق است. تفسیر این موضوع آنقدر مبهم است که جان کری و وزیر خارجه آمریکا صراحتاً می گوید هیچ حقی برای غنی سازی ایران به رسمیت شناخته نشده است و در مقابل محمد جواد ظریف وزیر خارجه کشور تأکید می کند که حق غنی سازی ایران به رسمیت شناخته شده است. حتی دکتر روحانی رئیس جمهور کشورمان نیز در نامه ای که ساعاتی پس از توافق ژنو به رهبر انقلاب نوشت، تصریح کرده است: «... گام نخست را به گونه ای پیش برند که حقوق هسته ای و حق غنی سازی ملت ایران مورد اذعان قدرت های جهانی - که سال ها سعی بر انکار آن داشتند - قرار گیرد...» با این حال در متن ۴ صفحه ای توافق ژنو از به طور صریح اشاره ای به رسمیت شناختن حق غنی سازی ایران نشده است هر چند برخی معتقدند. خبرگزاری تسنیم در گزارشی که ۲۰ آذر ۱۳۹۲ منتشر کرد راجع به این موضوع بسیار مهم نوشت: «در توافقنامه ی ژنو، دوبار به حق غنی سازی ایران اشاره شده است. یک بار در مقدمه و یک بار در بخش پایانی. در مقدمه چنین آمده است: «این راه حل جامع متضمن یک برنامه غنی سازی با تعریف مشترک و محدودیت های عملی و اقدامات شفاف ساز به منظور تضمین ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای می باشد.» در بخش پایانی نیز آمده است: «[گام نهایی باید] متضمن یک برنامه غنی سازی باشد که توسط طرفین تعریف می گردد؛ برنامه ای که شاخصه های آن با موافقت طرفین و منطبق با نیازهای عملی، با محدودیت های مورد توافق در خصوص دامنه و سطح فعالیت های غنی سازی، ظرفیت غنی سازی، محل هایی که در آن غنی سازی انجام می شود و ذخایر اورانیوم

خنثی شدن اهرم ایران هراسی و درگیری

«توافق ژنوسایه جنگ را از سر کشور دور کرد.» این شاید یکی از مهم ترین استدلال های حامیان توافق ژنو در دفاع از این توافق و انعقاد آن باشد. در این تفسیر اگر ما در دور جدید مذاکرات هسته ای به توافق نمی رسیدیم عملاً سکان هدایت دیپلماسی غرب و به ویژه آمریکا با ایران به دست کنگره و نتانیاهو که رویکرد های مشخص و تنیدی علیه ایران دارند می افتاد و روند تحولات به سمتی می رفت که درگیری اجتناب ناپذیر می شد. به عبارتی این توافق جلوی یکی از تندترین قطعنامه های کنگره علیه ایران که صادرات نفت کشور را به صفر می رساند گرفت زیرا در صورت تصویب و اجرای این طرح تحریمی ایران نیز در موضع واکنش قرار می گرفت و قطعاً اولین نقطه ای که این تنش را به صورت مشخص احساس می کرد تنگه هرمز به عنوان شاه راه انتقال نفت جهانی بود، شاهراهی که منتظر یک جرقه است تا به کوره ای از آتش تبدیل شود. این عده به طور مشخص معتقدند هر گونه تحلیل و نقد توافق ژنو نمی تواند فارغ از فضای سیاسی و بین المللی و اقتصادی ناشی از تحریم ها که ایران در آن قرار داشت سنجیده شود. اگر بدون توجه به این شرایط صرفاً به واژه ای در متن توافق اشاره کرد و آن را به طور مجزای تفسیر کنیم نمی توان به رهیافتی واقعی از سود و زیان این توافق رسید هر چند این استدلال در بطن خود به نوعی پذیرش وجود نقصان هایی در این توافق را نیز دارد.

منزوی شدن مخالفان ایران

در این راستا حامیان توافق ژنو آن را حتی فرصتی برای دیپلماسی کشور در راستای بازگیری های جدید در عرصه نظام بین المللی و منطقه می دانند که می تواند در مراحل بعد حتی بر فرض عدم توافق نیز موضع قوی تری به ایران ببخشد. منزوی شدن مخالفان ایران در اثر این توافق بخش عمده ای از استدلال های این حامیان و همچنین اشاره به وضعیت نتانیاهو و کنگره شاهد مثال هایی است که در این باره بیان می کنند.

فرصت نفی اقتصادی و ناگام آمدن تحریم ها

حامیان توافق ژنویکی دیگر از فرصت های این توافق را ایجاد شرایطی هر چند موقت برای تنفس بخش اقتصادی در قبال فشار تحریم های اقتصادی می دانند. در این رهگذر حتی معتقدند فضای روانی به وجود آمده در قبال لغو برخی تحریم ها و حضور شرکت های خارجی در ایران خود به خود نه تنها فضای روانی به وجود آمده در باره تحریم ها را خواهد شکست بلکه فرصت های بسیار دیگری برای دور زدن تحریم ها و حتی زدودن تصور تحریم در برخی زمینه ها را فراهم خواهد آورد.

شاید مهم ترین مسئله ای که منتقدان توافق ژنو مطرح می کنند به رسمیت شناخته شدن یا نشدن حق غنی سازی ایران در این توافق است. تفسیر این موضوع آنقدر مبهم است که جان کری و وزیر خارجه آمریکا صراحتاً می گوید هیچ حقی برای غنی سازی ایران به رسمیت شناخته نشده است و در مقابل محمد جواد ظریف وزیر خارجه کشور تأکید می کند که حق غنی سازی ایران به رسمیت شناخته شده است.